

درآمدی بر موضوع حجیت قراءات قرآن دکتر محمد اخوان

هدف این نوشتار، بررسی کوتاهی درباره «حجیت قراءات قرآن» است تا از این طریق ارزش قراءات روشن گردد. اما پیش از ورود به بحث، پرداختن به تعریف برخی واژه‌ها، بیان اهمیت دانش قرائت، تاریخچه قراءات و منشأ و راز اختلاف قراءات، به عنوان مقدمه بحث، ضروری می‌نماید. بنابراین به ترتیب به بررسی مسائل زیر می‌پردازیم:

۱. تعاریف

در این بخش، تعریف واژه‌ها و اصطلاحات زیر انجام می‌گیرد:

مفهوم قرائت

مفهوم رایج قرائت، خواندن است. ۱. اما به طور اساسی، قرائت به معنای گردهم آمدن و آشکار شدن است. ۲. از این رو فعل «قرء» مهموز، با «قری» ناقص، نزدیک به یکدیگر و هم معنی دانسته شده‌اند. ۳. اگر این دیدگاه پذیرفته شود، آشکار شدن و آشکار کردن حروف و کلمات و به هم پیوستن و اجتماع کلمات، قرائت خواهد بود. نتیجه‌ای که در آغاز تعریف یاد شده می‌گیریم این است که در مورد قرآن، اظهار متن و پیوند دادن به کلمات وحی، قرائت خواهد بود. اما اگر در شیوه ادای کلمات و تلفظ کلام خدا کمترین دخالتی از سوی ما انجام گیرد، دیگر قرائت حقیقی نیست.

تعریف علم قرائت

درباره دانش قرائت، تعریف دو تن از دانیان این فن را بازگو می‌کنیم: - «زرکشی می‌گوید: «قراءات عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف، در مورد حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و مانند آن از سوی قراء نقل شده است.» ۴. - «ابن الجزری» چنین آورده است: «قراءات، عبارت از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت می‌باشد، اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است.» ه. چنانکه مشاهده می‌شود میان این دو تعریف همانندی کامل هست. از پیشینه دیرین دانش قرائت در اسلام و بهای فوق العاده‌ای که از سوی مسلمانان به آن داده می‌شده است، می‌توان به این واقعیت رسید که حفظ متن وحی برای مسلمانان تا چه اندازه مهم و با ارزش بوده است که به تدوین آثار علمی فراوان و اقدامات عملی مربوط به این رشته علمی روی آورده‌اند. ۶.

حجیت قراءات

مراد از حجیت، قابلیت احتجاج داشتن یا حجّت بودن است. حجّت نیز به معنی برهانی است که بتوان به آن استدلال کرده، چیزی را اثبات کرد. ۷. اگر قرائت را حجّت بدانیم، مفهومش پذیرش نوعی قرائت و ترتیب اثر دادن به آن است. اما اگر قرائت حجّت نباشد، فاقد نقش و کارآیی دانسته می‌شود و در این صورت این پرسش جدی مطرح خواهد شد که چرا به امر قرائت بهای بسیاری داده شده است؟ و آیا می‌توان تمام کوششی را که در این زمینه انجام گرفته است بیهوده دانست؟

۲ - اهمیت دانش قرائت

مسئله قرائت و شکل‌گیری علم قرائت از نظر ما ارزش و اهمیت بسیاری دارد. شاید بتوان گفت مهمترین عامل صیانت قرآن از تحریف، همین مسئله بوده، هست و خواهد بود. زیرا ممارست بر خواندن قرآن و پیگیری این امر از آغاز نزول وحی تاکنون و از این پس، آن را به صورت متن متواتر و تغییر ناپذیری در آورده که تغییر آن به گونه عادی یا حتی از نظر عقل، محال است. حال اگر مسلمانان به قرائت اهمیاتی نداشته و بدان مبادرت نمی‌کردند آیا قرآن به این صورت حفظ شده و به دست ما رسیده بود؟ سفارش‌های فراوان پیامبر اسلام و پیشوایان دین درباره ارزش و ثواب قرائت قرآن، ۸. جای انکار ندارد. حتی قرائتی که کمترین فهمی به همراهش نباشد، نیز فضیلت دارد. ۹. باید دید این همه تأکید در مورد قرائت قرآن به چه منظور بوده است؟ آیا جز این بوده که صیانت قرآن به عنوان والاترین هدف، منظور است؟ و آیا دست‌یابی به این هدف جز از راه سامان دادن امر قرائت، قانونمند کردن آن و شکل دادن آن در قالب «علم قرائت»، امکان‌پذیر بوده است؟

حتی در زمینه اختلاف قرائت‌ها نیز ارزیابی مثبت انجام گرفته و برای آن فوایدی بیان شده است. ۱۰. نتایج مثبتی مانند آسان کردن کار بر امت مسلمان

برای تلفظ کلمات قرآن با لهجه‌های خویش که طبعاً دارای زبان‌های متعدد و گویشهای فراوان بوده و هستند؛ آشکار شدن حکم فقهی مورد اجماع و اتفاق فقها؛ ترجیح حکم فقهی بر حکم فقهی دیگر؛ جمع کردن میان دو حکم مختلف فقهی؛ مهم‌تر از همه آشکار شدن اوج بلاغت، اعجاز و ایجاز قرآن که به رغم حفظ ماده و شکل کلماتش، هیأت‌ها و حالات و تلفظهای گوناگون در مورد آن امکان‌پذیر است.

بنابر احتمالی قوی می‌توان گفت که: قراءات گوناگون که از زمان شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پدید آمده است، ناپسند ایشان نبوده و مصداقی برای «اختلاف امتی رحمة»^{۱۱}، می‌تواند باشد.

البته جای تردید نیست که اختلاف نیز باید روشمند و قانونمند باشد، تا پیامدهای نامطلوبی نداشته باشد. و باید پذیرفت که چون قرائت امری است صد در صد متکی به سماع و اصطلاحاً «توقیفی»، یا بخشی است از سنت نبوی صلی الله علیه و آله، پدیده اختلاف قراءات نیز تنها در همین چارچوب پذیرفتنی و پذیرش کمترین اجتهاد شخصی در امر قرائت ناممکن است؛ چنانچه در تاریخ اسلام نیز پذیرفته نشده و با این «بدعت‌گذاری»، به شدت مخالفت شده است.

۳. تاریخچه قراءات

درک ارزش علم قرائت در گرو آگاهی با تاریخچه قراءات و شناخت مراحل آن است.

برای قرائت شانزده مرحله تاریخی مهم بیان شده است^{۱۲}، که اکنون نیازی به شرح آنها نیست. اما به اجمال باید دانست که روند تطور قرائت از فرشته وحی آغاز شده است که فرستاده خدا و امین وحی بوده و به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمان داده است که: «اقرأ باسم ربك الذي خلق...» (علق/۱). در حقیقت نخستین مقری، جبرئیل امین بوده است و پس از او دومین کس، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله که فرمان «و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً»، (إسراء/۱۰۶) را امتثال کرده است. مخاطبان وحی و شنوندگان قرائت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز، همزمان به دو کار مهم پرداخته‌اند: نخست کتابت دقیق و گسترده وحی و دیگر گسترش فوق العاده قرائت قرآن و نیز به خاطر سپردن آن، که ویژگی عمده آنها نیز همین تکیه بر کار حفظ بوده که تا اندازه زیادی جای کتابت و برخوردار از سواد خواندن و نوشتن را می‌گرفته است.

بررسی مراحل گوناگون شکل‌گیری و رشد علم قرائت، پیدایش قراءات و فراز و نشیب‌های آن، ما را به این حقیقت می‌رساند که نباید مسئله قرائت را ساده پنداشت؛ و مسئله اجتهاد قاریان را عمده کرده و به دلیل اختلاف قراءات یک باره از حجیت آنها دست شست.

۴. راز اختلاف قراءات: پدیده اختلاف قراءات از سویی جای انکار ندارد و از سوی دیگر توجه به عوامل آن می‌تواند راهگشا باشد.

برای اختلاف قراءات، عوامل گوناگونی بر شمرده‌اند، ۱۳ که بررسی آنها در بحث کنونی ضروری نیست، اما بیان فهرست آنها زبانی ندارد:

- ۱ - اختلاف و تعدد قرائت شخص پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ۲ - تنوع و اختلاف تقریر و تأیید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ۳ - اختلاف و تعدد نزول قرآن.
- ۴ - اختلاف روایت و نقل از صحابه.
- ۵ - اختلاف و تعدد لهجه‌ها.

۶ - تهی بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب.

۷ - اجتهاد قاریان.

۸ - تهی بودن مصاحف عثمانی از حرف «الف»

۹ - زیاده روی برخی از قاریان در بکارگیری قواعد ادبیات عرب.

۱۰ - ویژگی‌های اخلاقی ناپسند برخی قاریان.

۱۱ - عوامل گوناگونی مانند گمان اشتباه در نسخه قرآن، اهداف سیاسی، آمیخته شدن شرح و تفسیر با نص مصحف، کم سواد قاری و مواضع اعتقادی قاری.

بررسی نقش هر یک از این عوامل به صورت مستند و آماری، می‌تواند سهم هر کدام را در رشد اختلاف قراءات نشان دهد. اما نادیده گرفتن برخی از آنها و یا پر رنگ کردن نقش برخی دیگر از آنها، می‌تواند مشکلاتی را پدید آورد. در ادامه بحث خواهیم دید که مقتضای تحقیق و واقع بینی، توجه بیشتر به کدام یک از عوامل بالا است.

۵. نسبت میان قرآن و قراءات

در مورد یکی بودن قرآن و قراءات دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده است. ۱۴ برخی دیدگاه‌ها، این دو را یکی دانسته و برخی دگر، کاملاً این دو را جدی از یکدیگر شمرده‌اند. و دیدگاه سوم به افراط قراءات شاذه را نیز قرآن انگاشته است.

چکیده استدلال نظریه دوم، این است که قرآن متواتر است، بر خلاف قراءات که نه تنها متواتر نیستند، بلکه محصول اجتهاد قاریانند. پس میان قرآن و قراءات، تباین و دوگانگی وجود دارد. ۱۵

گرچه ادعای تواتر قراءات، نادرست است، لیکن تخطئه قراءات و جدا کردن کامل آنها از قرآن نیز، به راحتی قابل قبول نیست. توضیح این مطلب را در بخش دیگری خواهیم آورد.

۶. ضوابط حجیت قراءات

پس از بیان مقدمه بحث می‌توان به بررسی مسئله حجیت قراءات پرداخت. در این باره مطالب زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم:

تفاوت احتجاج و حجیت

نخست باید توجه کرد که احتجاج بر یک قرائت با حجیت آن تفاوت دارد. احتجاج در مورد یک قرائت بدین معناست که برای نشان دادن برتری آن بر سایر قراءات، استدلال شود. اما مفهوم حجیت قرائت برهانی بودن و امکان پذیرش عملی آن است.

همین جا باید یادآوری کرد که احتجاج بر قرائت، لزوماً اجتهادی بودن آن را نتیجه نمی‌دهد، چه اینکه اصل سماعی بودن قرائت، خدشه‌ناپذیر بوده هرگونه احتجاجی در قرائت باید مبتنی بر این اصل باشد. حجیت قرائت نیز بر این اصل استوار و از باب حجیت سنت نبوی صلی الله علیه و آله است. گو اینکه سماع در قرائت اشراب شده باشد، زیرا بر فرض اجتهاد در مورد یک متن، دیگر قرائت آن، صورت نگرفته است چه این که قرائت متن آن است که همراه آن از صاحب آن دریافت شده باشد.

نگاهی به ضوابط سه گانه مشهور

در زمینه اعتبار قرائت و شرایط حجیت آن، سه شرط مورد پذیرش قرار گرفته است. ۱۶

۱. صحت سند.

۲. موافقت با رسم الخط عثمانی.

۳. تطابق با وجوه عربیت.

عمده‌ترین شرط، «صحت سند» یعنی منتسب بودن قرائت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. که به هیچ روی اخلال به آن روا نبوده، بی آن، قرائت اجتهادی و بی ارزش است. بدیهی است بدون احراز این شرط، طرح و درمیان آوری یک قرائت روا نیست، چه رسد به اینکه پذیرفتنی باشد. در حقیقت، با نبود این شرط، نیازی به تخطئه قرائت نیست چه اینکه خود به خود بی ارزش است.

در صورت فقدان شرط نخست، نوبت به شرط دوم و سوم نیز نمی‌رسد. در واقع شرطهای دوم و سوم، راه‌هایی برای کشف صحت سند و تأییدی بر آن به شمار می‌آیند و بی آن قابل طرح نیستند.

اما در صورت احراز شرط نخست در مورد هر قرائتی، باید آن را پذیرفت و هیچ راهی برای انکار آن باقی نماند. مسئله حجیت قرائت نیز دقیقاً همین جا مطرح می‌شود.

پاسخ به استدلال‌های منکران حجیت قراءات

در رد حجیت قراءات و جدا دانستن آنها از قرآن، ادله‌ای اقامه شده یا دیدگاه‌های خاصی ابراز گردیده که پاسخ‌گویی به آنها لازم است: بی نقش بودن قاریان

گفته شده است: «آنچه توسط قاریان به دست ما رسیده ویژگی‌های قراءات آنهاست. اما اصل قرآن از راه تواتر به ما رسیده و قاریان در این مورد نقشی نداشته‌اند.» ۱۷

در پاسخ می‌گوییم: با توجه به شرط صحت سند در اعتبار قرائت و با فرض اتصال سند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، با فرض عدم تواتر سند - که هیچ نیازی به آن نیست - چگونه می‌توان قراءات را تنها مربوط به قراء و بریده از سنت نبوی صلی الله علیه و آله دانست؟

گرچه در تواتر قرآن هیچ تردیدی نیست، لیکن پرسش این است که تواتر قراءات - مانند هر تواتر دیگر - چگونه فراهم آمده است. اگر قرائت قرآن به هنگام نزول قرآن و روزگار زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در سطحی بسیار گسترده انجام نگرفته بود، آیا تواتر مورد نظر حاصل شده بود؟ و مگر آنچه قاریان برای ما بازگو کرده‌اند چیزی جز همان قرائت‌های ایجادگر تواتر است؟ بنابراین، نادیده گرفتن نقش قاریان در ایجاد تواتر پذیرفتنی نیست و بدون پذیرش نقش قرائت‌های عصر نزول وحی در ایجاد تواتر، تصور وجود تواتر امری نادرست خواهد بود.

نقش منفی اختلاف قراءات.

«اختلاف قراءات سبب آمیخته شدن قرآن به غیر قرآن است. اما این امر آسیبی به تواتر قرآن نمی‌رساند، زیرا ماده قرآن متواتر است؛ گرچه در مورد هیأت و اعراب کلمات قرآن اختلاف نظر باشد» ۱۸.

افزون بر آنچه پیش‌تر به عنوان نتایج مثبت اختلاف قراءات بیان شد، گوییم: چگونه به رغم حفظ ماده و کلمات قرآن، امکان اشتباه قرآن با غیرش - به خاطر اختلاف در هیأت و تلفظ کلمات - پیش می‌آید؟ با یقین به نیفزودن چیزی بر قرآن و نکاستن از آن، چه جای این نگرانی هست؟

دو دیگر اینکه، غیر مستند بودن قرائت، اجتهادی بودن آن و شذوذ آن را از اعتبار ساقط می‌کند و نوبت به منظور کردن نقشی منفی برای آن نمی‌رسد. حقیقت نیز این است که به رغم وجود قراءات گوناگون، حتی شاذ و مجعول، بر دامن کبریایی قرآن گردی ننشسته و سبب اشتباه آن به غیرش نشده است. اجتهاد در قرائت و روایت نبودن قراءات

در پاسخ به این نظر که حتی با فرض عدم تواتر قراءات، آنها خبر واحد بوده و مشمول ادله حجیت خبر واحدند گفته شده است:

«روایت بودن قراءات معلوم نیست تا به عنوان خبر واحد حجت باشند و شاید قراءات اجتهاد قاریان بوده است» ۱۹.

پاسخ سخن یاد شده این است که: ادعای عدم وضوح روایت بودن قراءات دلیلی ندارد. آنچه که ظاهر امر است، قراءات روایت‌اند و شرایط روایت و خبر واحد را دارا هستند، چنانکه دیدگاه خود اشکال‌کننده نیز همین بوده که چون از قاریان مشهور یاد کرده، روایان آنها را هم نام برده است. ۲۰. تنها نکته قابل تأمل و درنگ، خدشه کردن در وثاقت برخی روایان است که این هم ضرری به اصل مدعا نمی‌زند.

تکیه بر احتمال اجتهادی بودن قراءات نیز، در برابر امری محقق و مسلم، یعنی سمعی بودن و روایی بودن آنها ارزشی ندارد. بی دلیلی پیروی از قاریان و احتمال اشتباه آنان

«حجت نبودن قراءات مشهور است و نمی‌توان از آنها حکم شرعی را استفاده کرد، چون درباره هر یک از قاریان، احتمال غلط و اشتباه وجود دارد و دلیل عقلی یا شرعی بر لزوم پیروی از یکی از اینان وارد نشده است. بلکه عقل و دین از پیروی غیر علم منع کرده‌اند» ۲۱.

در پاسخ به این استدلال می‌توان گفت: احتمال اشتباه قاری مانند احتمال اجتهاد اوست و در صورتی پذیرفتنی است که اصل در قرائت نقل و سماع نباشد. اما اگر این اصل و روایت بودن قرائت پذیرفته شد، تنها مشکل، عدم وثاقت راوی است، که با فرض وثاقت او، دیگر احتمال اشتباه او - که نظر خودش را نمی‌گوید - قابل طرح نیست.

دلیل عقلی و شرعی پیروی از قراء نیز، همان ادله حجیت خبر واحد است. ادله منع‌کننده پیروی از گمان و غیر علم نیز مربوط به جایی است که صرف گمان مطرح باشد نه اخبار آحاد که به نقل قراءات می‌پردازند.

استفاده حکم شرعی نیز اگر از هر خبر واحد ثقه‌ای روا باشد، قراءات نیز به عنوان صغرای آن قیاس تلقی شده و مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

مشکل علم اجمالی

استدلال دیگری که در مورد ناروا بودن پذیرش قراءات شده، این است که:

«اگر بپذیریم تمام قراءات مستند به روایت‌اند و تمام روایان آنها نیز ثقه‌اند، باز هم علم اجمالی داریم که برخی از این قراءات از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، صادر نشده است و چنین علمی به تعارض میان روایات می‌انجامد و همه آنها از حجیت ساقط خواهند شد. اعتبار بخشیدن به برخی از آنها نیز ترجیح بدون مرجح است و ناچار باید به مرجحات باب تعارض مراجعه کرد» ۲۲.

آنچه در اینجا اهمیت زیادی دارد، پی بردن به منشأ علم اجمالی ادعا شده و اثبات وجود آن است.

عامل پیدایش علم اجمالی در درون قرائت نهفته است یا بیرون از آن؟ عامل بیرونی فرضی چه ربطی به قرائت داشته و کدام است؟

اگر عامل یاد شده درونی باشد، یا به متن قرائت مربوط می‌شود و یا به سند آن.

آیا وثاقت تمام رجال سند قرائت سبب پیدایش علم اجمالی شده است؟ این دو که به هم ربطی ندارند، چه اینکه منطقی نیست به خاطر وثاقت رجال سند، متنی را به نا استواری متهم کنیم! یعنی وقتی دستمان به سند نمی‌رسد، مدعی علم اجمالی به عدم صدور برخی قراءات شویم! اصولاً مفهوم وثاقت تمام رجال سند، صدور یقینی قراءات است و دیگر جایی برای علم اجمالی ادعایی نیست.

و اگر عامل درونی یاد شده مربوط به سند نیست و مربوط به خود متن است؛ یعنی اشکالی در دلالت یک حدیث از میان احادیث هست که موجب ادعای وجود علم

اجمالی شده است؛ در این صورت، باید به همان حدیث بپردازیم نه از تمام روایات دست برداریم.

باری اگر بر وجود علم اجمالی اصرار شود، باید بدانیم پس از مراجعه به مرجحات، قرائتی اعتبار خواهد یافت که مرجح یا مرجحاتی داشته باشد. در این حالت نیز گزینش يك قرائت بی دلیل نخواهد بود. و طبیعی است که رها کردن متن بدون قرائت نا ممکن است و هر قرائتی که انتخاب شود باید واجد تمام شرایط از جمله صحت سند باشد و قراءات مرجوح نیز با دلیل کنار گذاشته شوند.

تخطئه قراءات به خاطر اجتهاد قاریان گفته شده بزرگترین عامل اختلاف قراءات، اجتهاد قاریان بوده است. بر اجتهاد، استبداد به رأی نیز افزوده شده است. همین اجتهاد و استبداد به رأی سبب بروز مخالفتهایی با قاریان شده است. موضع‌گیری در برابر کسانی به خاطر «نبر»؛ یعنی تلفظ کلمات با همزه، تخطئه شدن حمزة بن حبیب زیات، تعقیب و تنبیه و توبه داده شدن به خاطر دیدگاه وی درباره دیدگاه ابن شنبوذ، حذف شرط تطابق با رسم الخط عثمانی از شرایط اعتبار قرائت و محاکمه شدن ابن مقسم بغدادی به دلیل تکیه بر موافقت با وجوه عربیت به عنوان تنها شرط اعتبار قرائت و نادیده گرفتن دو شرط دیگر، گویای اجتهادی بودن قراءات است. ۲۳

درباره ابوبکر عطار، شاگرد ابن شنبوذ نیز در تاریخ ثبت است که به خاطر زیاده روی در ادب عربی در امر قرائت، مورد اعتراض شدید فقهاء قرار گرفت، و چون از دفاع خویش در محاکمه ناتوان گشت به ناچار توبه کرده و تسلیم شد. ۲۴

ابو عثمان مازنی، قرائت اهل مدینه و نافع بن ابی نعیم را تخطئه می‌کرده است.

ابوعباس مبرّد نیز قرائت اهل مدینه را لحن فاحش می‌دانسته است. فارسی، ابن مجاهد، حوفی و ابن عطیة در مواردی قرائت ابن عامر، قاری اهل شام را، نادرست می‌دانسته‌اند و نحاس، اخفش، ابوحاتم و ابن جنی نیز، در مواردی به تخطئه قاریان پرداخته‌اند. ۲۵

امام احمد بن حنبل بسیاری از قراءات حمزه را انکار می‌کرده است. ابوبکر بن عیاش، یکی از دو راوی عاصم، قرائت حمزه را بدعت می‌شمرده است. و ابن درید می‌گفته، دوست دارم قرائت حمزه از کوفه بیرون رود. این قبیل مخالفت‌ها، مهم‌ترین رهبندی است که ائمه سلف منکر تواتر قراءات بوده‌اند. ۲۶ کتاب‌های مستقلی نیز نگاشته شده که در آنها لغزش‌ها و خطاهای قاریان مشهور، جمع آوری شده است. ۲۷

در مورد بزّی، یکی از دو راوی ابن کثیر، نقل شده که در يك مورد از قرائت خود دست برداشته است و این گواه اجتهادی بودن آن بوده است و گرنه این کار را نمی‌کرد. ۲۸

پاره‌ای از قراءات قاریان هفتگانه نیز شاذ دانسته شده است که این گواه اجتهادی بودن آنها و مرفوض واقع شدن آنهاست. ۲۹ مکی بن ابیطالب نیز نمونه‌هایی از قراءات اجتهادی را در کتاب مهمّش، «الکشف عن وجوه القراءات السبع» گرد آورده است. ۳۰ در پاسخ به این استدلال بازگویی موارد زیر سودمند به نظر می‌رسد.

نخست آن که، مخالفت‌ها و تخطئه کردن‌ها در مورد قراءات اجتهادی گویای این حقیقت نیز هست که حساسیت زیادی در مورد این گونه قراءات وجود داشته است. اما طرح مخالفت‌ها و نتیجه دادن آنها، گواه اجتهادی نبودن قراءات نزد بیشتر قاریان بوده است.

دوم: کسانی چون ابن مقسم و ابن شنبوذ، اندک شمار بوده‌اند و به همین دلیل مواضع و دیدگاه‌های آنان، حتی در زمان خودشان شکست خورده است. پس نباید همه قاریان را مانند نامبردگان دانست و گرنه باید تاریخ قراءات آکنده از ماجراهای تلخی مانند ماجرای ابن شنبوذ باشد.

سوم: در مورد مخالفت‌ها باید بررسی‌های دقیق موردی انجام گیرد، تا ماهیت آنها آشکار گردد. با قاطعیت تمام نمی‌توان هر مخالفتی را به حق و برخاسته از حسن نیت دانست. این احتمال نیز که برخی تخطئه کردن‌ها، از هواهای نفسانی و رقابت‌های ناسالم سرچشمه می‌گرفته است، ما را به تأمل واداشته، و تا کشف حقیقت همراهی می‌کند.

چهارم: برگشتن قاری از قرائتی پس از آگاهی بر خطایش، دلیل بر اجتهادی بودن قرائت نیست. قاری ثقه، معصوم نیست که از خطا مصون باشد. خطای او نیز به وثاقتش آسیب نمی‌رساند. و پس از کشف اشتباه، که ممکن است مربوط به شتابزدگی، حواس‌پرتی و مانند اینها باشد، قاری می‌تواند به خطایش اقرار کرده به قرائت مستند و درست روی آورد. آری در صورت اجتهادی بودن قرائت

است که قاری حاضر نیست به راحتی از نظر نادرستش دست بردارد و مانند ابن مقسم و ابن شنبوذ بر آن اصرار می‌ورزد.

پنجم: در نظر گرفتن اندک قرائت‌های اجتهادی برخاسته از شذوذ نفسی پاره‌ای قاریان، بسیار با اهمیت است. طرد این موارد مطلوب است و در این حالت است که ما بر شرط صحت سند پای فشرده و آن را رعایت کرده ایم. بنابراین، شمار اندک قرائت‌های شاذ که در مقایسه با موارد اختلاف قراءات، که آنها نیز نسبت به حجم کل قرآن اندک است، نمی‌تواند به توقیفی بودن قراءات آسیبی برساند.

ویژگی‌های قرائت ایده آل به دنبال مناقشه در شرایط سه گانه مشهور برای اعتبار قرائت ۳۲، شرایط دیگری برای اعتبار قرائت پیشنهاد شده است از جمله: «قرائتی موافق با نص قرآن است که میان مردم مشهور و معروف بوده در طول تاریخ آن را تلقی به قبول کرده باشند» ۳۲

قرائت ایده آل و قابل قبول، همانند خود قرآن که از سوی خدای یگانه نازل شده است، بیش از یک قرائت، نیست. قرائتی پذیرفتنی است که تمام قاریان یا بیشترشان بر آن اتفاق نظر داشته باشند و سایر شرایط لازم را هم داشته باشد» ۳۴.

«قرائتی که حفص از عاصم روایت کرده، به دو دلیل مورد قبول جامعه اسلامی قرار گرفته است: نخست آن که قرائت حفص قرائت همه مسلمانها بوده است. و دیگر اینکه عاصم در میان قاریان، برجسته بوده ویژگی‌های منحصر به فردی داشته که او را زبانزد کرده است و از نیروی ضبط و حافظه قوی برخوردار بوده است. او قرائتش را از ابوعبدالرحمن سلمی گرفته و او نیز از امیرالمؤمنین علی علیه السلام» ۳۵

«ملاك صحت قرائت سه چیز است: موافقت در ماده و صورت و نظم کلمات با ثبت مصحف معروف میان عموم مسلمانان، موافق بودن با فصیح‌ترین لغت و رایج‌ترین متون عربی و نبودن دلیل قطعی عقلی و شرعی بر خلاف آن» ۳۶.

درباره این دیدگاه توجه به نکات زیر لازم است: یک. چگونه، قرائتی شهرت و معروفیت یافته است؟ اگر مسلمانان صدر اسلام و قاریان آن دوره به قرائت اهتمام نمی‌داشتند و نیز مسلمانان و قاریان دوره‌های پس از آن کار آنها را دنبال نکرده بودند، آیا اکنون امکان دسترسی به قرائتی مشهور وجود داشت؟

بنابراین، شهرت یک قرائت نیز ریشه در تلاش مسلمانان و قاریان دارد. و سهم قراءات را در این باره نباید از یاد برد.

دو. اینکه به دلیل یگانگی خدا، قرائت قرآن نیز یگانه دانسته شود، جای تأمل و دقت دارد. زیرا در پاره‌ای از روایات، ۳۷ مسئله تعدد نزول قرآن مطرح شده و آن را یکی از عوامل اختلاف قراءات دانسته‌اند. اگر سند این روایات صحیح باشد، دیدگاه وحدت قرائت نادرست خواهد بود.

سه. در اینکه قرائت عاصم، قرائتی صحیح و واجد شرایط است، سخنی نیست، اما بحث بر سر این است که اگر قرائتی مانند قرائت عاصم و واجد شرایط آن وجود داشته باشد، چه راهی برای نادیده گرفتن آن وجود دارد؟

چهار. اکنون در مغرب جهان اسلام، در سطحی گسترده قرائت، نافع به روایت ورش، رواج دارد. و سالهای اخیر، دولت سعودی، قرآنی بر اساس قرائت یاد شده، برای مسلمانان آن منطقه، چاپ و منتشر کرده است.

حال چگونه می‌توان گفت همه مسلمانان از قرائت «عاصم»، پیروی می‌کنند و جز این قرائت، قرائت مشهور و معروف دیگری وجود ندارد؟

پنج. تفاوت چندانی میان شرایطی که برای قرائت ایده آل بیان شد و شرایط مشهور وجود ندارد. زیرا شرط اول که مطابقت با رسم الخط مصحف معروف میان عموم مسلمانان است، جایگزین شرط موافقت با رسم الخط مصحف عثمانی شده است. گو اینکه مصاحف عثمانی از میان رفته‌اند لیکن می‌توان مصاحف کنونی را به کلی غیر از آنها و دارای رسم الخطی جز آنها دانست. یا اینکه تفاوت میان مصاحف فعلی و مصاحف عثمانی، تهی بودن آنها از نقطه، شکل و اعراب و برخورداری اینها از این ویژگی‌هاست.

بر این نکته بیفزاییم چیزی که مورد قبول صاحب این دیدگاه - دیدگاه وحدت قرائت - نیز هست، اینکه نص موجود، همان نص متواتر و بر جای مانده از صدر اسلام است که کمترین تغییری نکرده است. پس مصاحف کنونی نیز مغایر با مصاحف عثمانی نیستند.

شرط دوم در مورد هماهنگی با برجسته‌ترین متون عربی، چندان فرقی با شرط مطابقت با وجوه عربیت ندارد، جز اینکه در شرط مشهور بر ادبیت بیشتر تکیه شده است.

و شرط سوم نیز گونه تغییر نام یافته شرط اصلی مشهور، یعنی صحت سند است. زیرا فرقی نیست که نقلی بودن و مستند بودن برای قرائت شرط شود، یا اینکه

گفته شود قرائت نباید در مقابل خود دلیلی از سنت متواتر یا عقل داشته باشد. چه اینکه دین و عقل نباید با هم ناسازگار باشند.

آخرین اشکال بر حجیت قراءات

پذیرش مستند بودن قراءات و انتساب آنها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، با وصف اختلاف قراءات و اختلاف شیوه های قاریان، از نظر عقلی ناممکن است، چه رسد به اینکه بتوان آن را اثبات کرد. ۳۸

از نظر عقلی چه امتناعی دارد که در مورد يك متن، دست کم شیوه نگارش به گونه ای باشد که قرائت های مختلف را پذیرا باشد؟ آیا درباره رسم الخط مصاحف عثمانی عامدانه چنین وضعیتی پیش آورده نشده است؟ اگر مسئله تعدد نزول و تعدد تقریر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز پذیرفته شود، باز از نظر عقلی با امتناعی روبرو نیستیم.

کسانی که اثباتاً در این باره دیدگاهی موافق دارند، به اموری مانند تعدد نزول قرآن، تعدد تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و اختلاف نقل صحابه از ایشان، استدلال کرده اند و طبیعی است که بر فرض صحت امور یاد شده، مسئله اختلاف قراءات و مستند بودن تمام یا بخشی از آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله، قابل قبول باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

پس از طی مراحل گوناگون بحث و آشنایی با دیدگاه مشهور درباره معیارهای قرائت صحیح و پاسخ گویی به استدلال های مخالفان حجیت قراءات، نوبت به جمع بندی این بحث و نتیجه گیری از آن رسیده است.

پیام علم قرائت

وجود «علم قرائت»، به عنوان یکی از علوم قرآنی و تقدم زمانی آن بر دیگر علوم قرآنی و از جمله بر تفسیر قرآن، نشانه مشروع و مطلوب بودن آن است. اگر اختلاف قراءات امری ناپسند بوده و بالقوه می توانست پیامدهای نامطلوبی داشته باشد، خود قرآن، یا شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، از آن جلوگیری می کردند. به گواهی تاریخ نه تنها کوچکترین اقدامی در این مورد انجام نگرفت بلکه تشویق های بسیاری در زمینه قرائت و تعلیم و تعلم قرآن صورت گرفته است.

بوا پیدایش و شکل گیری علم قرائت نیز طبیعی بود که برای قرائت به عنوان موضوع این دانش، قوانین مقرر گردیده و به بررسی قراءات و وجوه مختلف آن، پرداخته شود. که به تقسیم آنها به انواع گوناگون از جمله معتبر، شاذ و مانند آن بینجامد.

بنابراین موضع گیری در مقابل تعدد قرائت ها و تأکید بر وحدت آنها، نوعی رویارویی با پدیده ای طبیعی و مخالفت با روندی تاریخی است، که ضرورتی ندارد، چه اینکه اگر ضرورتی می نمود این کار انجام گرفته بود.

تسلسل تاریخی سماع

چنانکه پیشتر گفتیم، سماع و نقل، محور قرائت بوده و بدان اهتمام کامل می شده است. این مسئله به صورت سلسله وار و از آغاز تا امروز ادامه یافته است. مانند همان تسلسلی که در مورد نقل حدیث به چشم می خورد و به اجازه نقل حدیث مشهور گردیده است.

نتیجه ای که می توان گرفت، این است که در صورت اجتهادی بودن قرائت، آیا نیازی بدین کار بوده است؟ به ویژه آن که می دانیم ارتباطات با دشواریهای فراوانی در گذشته روبرو بوده است و عالمان قرائت با تحمل رنجهای بسیار به این کار اقدام می کرده اند که کوچ کردن «سیبویه» از ایران به بغداد برای سماع قرائت نمونه ای از آن است. ۳۹

نخستین عوامل اختلاف قراءات

شایسته است که به نخستین عوامل اختلاف قراءات، توجه بیشتری شود. زیرا اجتهاد قاری - به ویژه قاریان هفتگانه - در صورتی که واقعیت هم داشته باشد، امری است که در سده دوم هجری رخ داده و در طول عوامل دیگر قرار می گیرد.

بی شک نمی توان مدعی وجود چنین اجتهادی در عصر نزول وحی و در مورد صحابه شد در حالی که وجوه مختلف قرائت در آن دوره پدید آمده است و در روزگار عثمان نیز به عمد، مصاحف امام به گونه ای نگارش یافته که وجوه قراءات را برتابد. پس باید سراغ عوامل دیرین رفت، تا دلیل اختلاف قراءات آشکار شود. یکی از آن عوامل را اختلاف در نزول وحی، یا جواز قرائت خود پیامبر صلی الله علیه و آله به وجوه مختلف دانسته اند. به دو روایت در این زمینه توجه فرمایید:

۱. ابن ولید از صفار و او از ابن معروف، وی از محمد بن یحیی صیرفی و او از حماد بن عثمان و وی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که به ایشان

گفتم چرا روایات شما گوناگون است؟ ایشان پاسخ دادند: قرآن بر هفت حرف نازل شده و کمترین حقی که امام دارد، این است که به هفت گونه فتوی دهد. سپس فرمود: این نعمت ماست پس بی حساب بخشیده یا امساک کن. ۴۰

۲. جاجیلویه از محمد عطار، او از اشعری و او از احمد بن هلال و وی از عیسی بن عبدالله هاشمی و او از پدرش و او از پدرانش نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرستاده ای از سوی خدا نزد من آمده و گفت: خدا به تو دستور می دهد قرآن را بر یک حرف بخوانی. من گفتم خدای من بر من وسعت ده. پس فرمود: خدایت فرمان می دهد قرآن را بر یک حرف بخوانی. باز گفتم برامت من توسعه ده.

پس فرمود: خدا به تو فرمان می دهد قرآن را بر هفت حرف بخوانی. ۴۱

در منابع اهل سنت نیز روایاتی به همین مضمون به چشم می خورد. ۴۲ صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز، وجوه مختلف قرائت را از ایشان فرا می گرفته اند و برای مردم نیز، گونه گون نقل کرده اند. پس از این راه اختلاف قرائت پیش آمده است. ۴۳

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، قرائت های گوناگون صحابه را نیز تقریر و تأیید می کرده است. ۴۴

وجود این ویژگی ها عصر نزول وحی، مجالی برای اجتهاد قاری به عنوان عاملی برای اختلاف قراءات، باقی نمی گذارد و موجب می شود تا باب اجتهاد در قرائت مسدود گردد.

مجوز حجیت قرائت

یادآور می شویم که حجیت قرائت تنها به سنت نبوی صلی الله علیه و آله است و تا به گونه ای منتسب به ایشان نباشد، اعتباری ندارد. قرائت، در حقیقت گونه ای از نقل حدیث است. حدیثی که در آن، گونه و وجه خاصی از تلفظ برخی از کلمات قرآن، از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ما نقل شده است. و حجیت سنت نیز قولی است که جملگی بر آنند.

امکان عقلی تعدد قراءات

نکته ای که شایان توجه بیشتر است اینکه در مقام ثبوت، اختلاف قراءات مانعی ندارد. زیرا قرآن معجزه جاوید اسلام است و اعجاز لفظی آن چیزی نیست که در پرده مانده باشد. و عجز مخالفان آن در طول تاریخ، بدین صورت که نتوانسته اند الفاظ و ترکیبی مانند قرآن عرضه کنند، بهترین گواه اعجاز لفظی قرآن است.

بر این اساس، در پاره ای موارد، الفاظ قرآن به گونه ای هستند که امکان قرائت های گوناگون را دارند. اما این امر، آسیبی به محتوا و معانی آن نرسانده، و با هر قرائتی، - البته قرائت واجد شرایط صحت -، معنای کاملاً درستی نیز به دست می آید.

امکان عقلی تعدد قراءات در مقام ثبوت، راه را برای پذیرش آن در مقام اثبات هموار می کند.

تنوع لهجه ها و وحدت نص

چنانکه از بحث های گذشته بر آمد، مسئله اختلاف قراءات بیشتر به تنوع لهجه ها بر می گردد. تنوع لهجه ها نیز امری کاملاً طبیعی است، به همان اندازه که تعدد زبان ها طبیعی است. اسلام نیز دینی است که از مشقت و حرج تهی است، «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج/ ۷۸) چنین دینی نمی تواند پیروانش را به تلفظ بر خلاف لهجه طبیعی شان مجبور کند.

اختلاف قراءات بر اساس تعدد لهجه ها، به وحدت نص قرآن نیز آسیبی نمی زند و بهترین گواه آن، اینکه نص قرآن، تاکنون در میان ملل گوناگون مسلمان استوار مانده است.

موارد اندک اختلاف قراءات در سراسر قرآن نیز نگران کننده نیست.

طریقه احتیاط

با توجه به برخی روایات و اقوال بزرگان، جمود بر قرائت مشهور، شرط احتیاط نیست. بلکه فراتر شدن از آن و فراهم آوردن مجال برای برخی دیگر از قراءات پیمودن راه احتیاط است.

و اما چند روایت در این باره:

ابوبکر حضرمی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم قرآن را چنان که نازل شده است می خوانند حتی دو کس نیز اختلاف نمی داشتند. ۴۵

اگر قرائت مشهور کنونی تمام عیار و همانند قرائت نازل شده می بود، چه جایی برای این تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره ایشان به قرائتی دیگر بود؟

ابوبصیر از امام صادق صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: مراد از آیه: این کتاب ماست که به حق با شما سخن می‌گوید: (جائیه / ۲۹) این نیست که کتاب خودش سخن می‌گوید بلکه رسول خداست که ناطق است و خدا فرموده: این کتاب ماست که به حق بر شما تلاوت می‌شود. من گفتم ما این آیه را چنین قرائت نمی‌کنیم. پس فرمود: به خدا قسم جبرئیل آن را این چنین نازل کرد، لیکن تحریف شده است. ۴۶

بی تردید مراد از تحریف در این حدیث، تحریف به زیاده و نقصان نیست. اما صرف معلوم و مجهول خواندن فعل «ینطق» که دو جور قرائت است، تغییر اساسی ایجاد می‌کند و فرض این است که قرائت مشهور به صورت فعل معلوم است. زاره از امام باقر نقل می‌کند که فرمود: «تفسیر القرآن علی سبعة احرف منه ما کان و منه ما لم یکن بعد ذلک تعرفه الائمة» ۴۷. اگر چه در این حدیث به تفسیر قرآن عنایت شده، لیکن شیوه راهیابی به مراد قرآن و بطون آن، از طریق قرائت و تغییر آن نیز، یکی از راه‌های احتمالی است.

ابو عبدالرحمن سلمی گوید: علی‌علیه السلام به یک قاضی فرمود: آیا نسخ را از منسوخ باز می‌شناسی؟ او پاسخ داد: خیر. پس امام‌علیه السلام فرمود هلاک شدی و هلاک ساختی، تفسیر هر حرفی از قرآن وجوهی دارد. ۴۸. در این حدیث نیز، چون روایت پیشین به راه‌های پی بردن به تأویل قرآن، اشاره شده است که قراءات گوناگون، خود راه‌هایی برای این منظور است. عبدالرحمن بن حجاج گوید: از امام صادق‌علیه السلام شنیدم که فرمود: از عقول دانشمندان چیزی دورتر به قرآن وجود ندارد. ۴۹. بر پایه معنای روایت یاد شده، دور دست‌ترین حقیقت برای انسان، فهم قرآن است که باید برای دست‌یابی به آن راه‌های متنوع و پر رنجی را پیمود و قراءات نیز بخشی از کوشش در این رهگذر است. اما بسنده کردن به یک قرائت، می‌تواند تا حدودی ما را از حقایق قرآن دور نگهدارد. گفتار برخی از بزرگان در این موضوع نیز شایسته توجه است.

مرحوم شیخ مفید در این باره گفته است: «چنانچه از روایات رسیده از سوی امامان معصوم‌علیهم السلام فهمیده می‌شود، آنها به قرائت میان دو جلد قرآن فرمان داده‌اند و از ما خواسته‌اند از آن تجاوز نکنیم و آن را بدون کم و زیاد بخوانیم تا آنگاه که امام عصر‌علیه السلام ظهور کند و قرآن را آن گونه که نازل شده است بر مردم بخواند. و آن گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام جمع آوری کرده است تلاوت کند. آنان ما را نهی کرده‌اند که افزون بر آنچه در قرآن ثبت شده قرائت کنیم، زیرا مقدار زاید، متواتر نیست و از راه روایات واحد به ما رسیده است که گاهی دچار اشتباه‌اند. و اگر بر خلاف نص موجود قرآن قرائت کنیم دچار لغزش می‌شویم، طعمه ستمگران شده خود را به هلاکت می‌اندازیم. پس از این رو امامان‌علیهم السلام، ما را از قرائت بر خلاف نص موجود قرآن منع کرده‌اند. ... گر چه انکار نشده که دو گونه قرائت در کار باشد: یکی آن که در مصحف وجود دارد و دیگری آنچه مفاد روایت است. چنانکه اهل سنت نیز گویند قرآن به وجوه مختلفی نازل شده است. بدین ترتیب است که قرآن فرموده: «و ما هو علی الغیب بظنن» (تکویر / ۲۴) او نسبت به غیب بد گمان نیست، یعنی متهم نیست و بنا بر قرائت دیگر «و ما هو علی الغیب بظنن» یعنی نسبت به غیب بخیل نیست» ۵۰.

مرحوم علامه مجلسی «ره» نیز سخنی بدین شرح دارد: «درباره بسیاری از آیات قرآنی، روایاتی وارد شده است که بر خلاف قراءات مشهوراند، مانند آیه الكرسي و آیه: «و کذلک جعلناکم امة وسطاً» (بقره / ۱۴۳) بدین سان شما را امتی معتدل قرار دادیم و آیات دیگر» ۵۱.

- ۱ - ابن منظور، لسان العرب چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۷۸ / ۱۱.
- ۲ - همان، ۸۰ / ۱۱؛ ابن الاثیر، النهاية چاپ چهارم، مطبوعاتی اسماعیلیان، قم ۳۰ / ۴.
- ۳ - المنجد، ۶۲۶ / ۱.
- ۴ - زرکشی، البرهان فی علوم القرآن مکتبه دارالتراث، قاهره ۳۱۸ / ۱.
- ۵ - فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة چاپ دوم، دارالقلم، بیروت / ۵۰.
- ۶ - رک: همان، فصل اول کتاب.
- ۷ - ابن منظور، لسان العرب ۵۴ - ۵۳ / ۳؛ فیومی، المصباح المنیر، مطبوعاتی محمد علی صبیح، مصر / ۱۴۹.
- ۸ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت / ۸۹ باب ۲۳، فضل قرائة القرآن.

- ٩ - رك: امام خمينى، استفتاءات انتشارات جامعه مدرسین، قم ٣٣٧ / ١.
- ١٠ - حجتى، محمد باقر، پژوهشى در تاريخ قرآن كريم چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران / ٢٦٨ - ٢٦٦.
- ١١ - رك: علامه هندى، كنزا لعمال، مؤسسة الرسالة، بيروت ١٣٦ / ١٠، ح شماره ٢٨٦٨٦.
- ١٢ - فضلى، عبدالهادى، القراءات القرآنية، / ٥٢ - ١٣.
- ١٣ - همان، ٩١، معرفت، محمد هادى، تلخيص التمهيد چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم ٢١٧ / ١.
- ١٤ - همان، ٦٢ - ٦١؛ نيز تلخيص التمهيد، ٢٧٠ / ١.
- ١٥ - تلخيص التمهيد، ٢٧١ / ١؛ خوئى، ابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن چاپ سوم، المطبعة العلمية، قم / ١٧٤ - ١٧٣.
- ١٦ - الفضلى، عبدالهادى، القراءات القرآنية، / ١١٢.
- ١٧ - خوئى، ابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، / ١٧٣.
- ١٨ - همان، / ١٧٤.
- ١٩ - همان، / ١٨٠.
- ٢٠ - همان، / ١٦١ - ١٤٠.
- ٢١ - همان، / ١٨٠.
- ٢٢ - همان، / ١٨٢ - ١٨١.
- ٢٣ - معرفت، محمد هادى، تلخيص التمهيد، ٢٢٩ - ٢٢٨ / ١.
- ٢٤ - همان، / ٢٣٤ - ٢٣٠.
- ٢٥ - همان، / ٢٣٢ - ٢٣١.
- ٢٦ - همان، / ٢٥٧.
- ٢٧ - همان، / ٢٥٩ - ٢٥٨.
- ٢٨ - همان، / ٢٦٠.
- ٢٩ - همان، / ٢٦٢.
- ٣٠ - همان، / ٢٦٧ - ٢٦٥.
- ٣١ - دانى، عثمان بن سعيد، التيسير فى القراءات السبع، چاپ اول، دارالكتب العلمية، بيروت ٦٢ و بعد.
- ٣٢ - معرفت، محمد هادى، تلخيص التمهيد، ٣٤٩ / ١ و بعد.
- ٣٣ - همان، / ٢٧٥.
- ٣٤ - همان، / ٣٢٢.
- ٣٥ - همان، / ٣٣٢ - ٣٢٨.
- ٣٦ - همان، / ٣٧٦.
- ٣٧ - نسائى، احمد بن شعيب، سنن النسائى، چاپ اول، دارالفكر، بيروت ١٥٤ - ١٥٠ / ٢، باب جامع ماجاء فى القرآن؛ سجستانى، سليمان بن اشعث، سنن ابى داود، دارالفكر، بيروت ٧٦ - ٧٥ / ٢، ح ١٤٧٨ - ١٤٧٥.
- ٣٨ - تلخيص التمهيد، ٣٥٥ / ١.
- ٣٩ - اينجانب اين مطلب را در كلاس درس از استاد محترم جناب آقاى دكتور سيد محمد باقر حجتى شنيدم ليكن پس از تتبع فراوان براى آن مسندى مكتوب نيافتم.
- ٤٠ - صدوق، محمد بن على، الخصال، چاپ اول، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، تحقيق شده، ١٤١٠ ق ٣٥٨ / ٢.
- ٤١ - همان.
- ٤٢ - نسائى، احمد بن شعيب، ١٥٤ - ١٥٠ / ٢؛ سجستانى، سليمان بن اشعث، سنن ابى داود، ٧٦ - ٧٥ / ٢؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ٣٠٠ / ٢ / ٤٠٥ / ١؛ بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، خصومات / ٤، فضائل للقرآن / ٥ و توحيد / ٥٣.
- ٤٣ - الفضلى، عبدالهادى، القراءات القرآنية، / ٩٤.
- ٤٤ - همان، / ٩٢.
- ٤٥ - مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار چاپ دوم، مؤسسة الوفاء، بيروت ٤٨ / ٨٩.
- ٤٦ - همان، ٤٩ - ٤٨ / ٨٩.
- ٤٧ - همان، ٩٨ / ٨٩.
- ٤٨ - همان، ١١٠ / ٨٩.
- ٤٩ - همان، ١١١ / ٨٩.
- ٥٠ - همان، ٧٥ - ٧٤ / ٨٩.
- ٥١ - همان، ٤٨ / ٨٩.